

پیشکش آمریکا به دولت روحانی

ضمیمه تحریر <سند تازه سازمان سیا و قیام ۲۸ مرداد>^۱

امیر فیض- حقوقدان

نخستین اصلاحی که لازم است، تغییر عنوان تحریر قبلی با حذف واژه تازه است، زیرا سندی را که اخیراً سازمان سیا بعد از ۶۰ سال ارائه کرده و به آن عنوان تازه داده شده، موضوعاً تازه تلقی نمیشود و در واقع <با آب خزینه دوست گرفتن است> که آمریکا برای نزدیکی با جمهوری اسلامی ارائه داده است، و درست در تعقیب همان سیاستی است که خانم آلبرایت وزیر خارجه آمریکا با عذرخواهی دخالت آمریکا در واقعه ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مبادرت کرد؛ که مشروح آن تحت عنوان رشوه های وزارت خارجه آمریکا به جمهوری اسلامی در سنگر اول خرداد ماه سال ۱۳۷۹ درج است.

چرا سند سیا، سند تازه نیست؟

سند تازه و یا اعلام و اقرار تازه، متوجه موضوعی است که مردم از آن آگاه نباشند و برای اولین مرتبه به آگاهی عامه میرسد.

اطلاق تازگی به سند ابرازی سازمان سیا یک اقدام نمایشی آن سازمان و بمنظور ارائه حسن نیت به دولت روحانی است.

پس از آنکه خانم آلبرایت وزیر خارجه آمریکا برای نزدیکی و دلجویی از جمهوری اسلامی از مداخله آمریکا در جریان وقایع ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ اظهار ندامت کرد؛ که این ندامت خود دلیل و اعتراف عالی ترین مقام سیاسی آمریکا به دخالت آمریکا در وقایع سال ۳۲ محسوب میشود و بکارت و تازه بودن سند اخیر سیا را بی اعتبار میسازد، رئیس سازمان سیا در جهت استحکام بخشیدن به اظهارات خانم وزیر خارجه آمریکا، بلافاصله چنین گفت:

<هزار صفحه سند و مدرک مربوط به کودتای ۲۸ مرداد در اختیار این سازمان است و این مدارک سوای اسناد سری و اسناد حاوی بررسی کارشناسان سیا است>

اسناد سری و اسناد حاوی بررسی کارشناسان که در اظهارات رئیس سازمان سیا به آن اشاره شده بوسیله دونالد ویلبر یکی از مقامات سابق سازمان سیا در اختیار <جمزیزن> کارشناس نیویورک تایمز در امور اطلاعاتی قرار میگیرد و روزنامه مزبور آنرا در شماره های ۱۶ آوریل و ۱۸ ژوئن ۲۰۰۹ منتشر ساخت و سپس این سند در سایت نیویورک تایمز قرار گرفت.

متنی که بوسیله نیویورک تایمز منتشر شده و امروز در دسترس محققین قرار گرفته ۱۵ سال قبل در مارس سال ۱۹۶۵ در تیراژ محدود و با طبقه بندی سری به عنوان بولتن درونی سازمان سیا در ۱۹۳ صفحه

منتشر شده است ویرایش و نشر این بولتن را «دین داج» مورخ اداره کل خاور نزدیک سیا بر عهده داشته است

(سرشاپور ریپورترو کودتای ۲۸ مرداد)

سند مزبور دلیل است که ادعای تازه بودن سند سازمان سیا واهی و غیر واقعی است.^۲

دلیل دیگر

آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا در پانزدهم مرداد سال ۱۳۳۲ (ششم اوت) اظهار داشت:

«توسعه طلبی کمونیست ها در آسیا موجب نگرانی شدید است و آمریکا از نتایج آن آگاه است، صبح امروز در روزنامه ها آمد که دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران سرانجام توانست خود را از مجلس که نسبت به سیاستهای او منتقد بود رها کند و مجلس رامنحل ساخت. البته برای رسیدن به مقصود از کمونیست ها مدد گرفت.

دولت آمریکا به منظور جلوگیری از توسعه کمونیست در کشورهای آسیا از جمله ایران اقدامات لازم را بعمل آورده و تصمیماتی گرفته است و در هر حال باید راه توسعه کمونیسم در آسیا مسدود شود و ما مصمم به این کار هستیم»

سند مزبور نشان میدهد که یکی از اهداف مهم آمریکا در مداخله و اقدام علیه حکومت مصدق خطر بلعیدن ایران بوسیله کمونیستها بوده است و اینکه آیزنهاور گفته که ما ساکت نمی نشینیم و مصمم به این کار هستیم دلیل بر این است که تصمیم آمریکا آنقدر مخفی نبوده که سازمان سیا بعد از ۶۰ سال آنرا بعنوان یک سر پنهان ارائه بدهد.

در نهم آگوست همان سال (۱۸ مرداد) مجله نیوزویک نوشت: «دکتر مصدق بزودی ناچار خواهد شد کمونیستهاراداره کشور شریک کند و یاد برابر آنها شکست خواهد خورد حزب توده مایل است شاه که یک قدرت معنوی در کشور ایران بشمار میرود و وجودش از قرنهای قبل جزء فرهنگ و منش ایرانیان بوده است از کار برکنار بشود.»

برداشت از نوشته نیوزویک

برداشت از نوشته نیوزویک علاوه که ترس آیزنهاور را تائید میکند صراحتی دارد بر نقش شاه در حفظ تمامیت ارضی کشور که روزنامه نیوزویک آنرا عنوان میکند و این مسئله همانطور که در وقایع ۲۸ مرداد از طرف آن روزنامه با اهمیت تلقی شده است اصلی است که در همین روزهای وانفسا هم تنها راهکار و کارگشاست.

شواهد منتشر شده دیگر

۲ - چند سال گذشته سیا اعلام کرد اسناد کهنه مربوط به بیش از ۴۰ سال پیش ایران را نابود و سوزانده است. اگر آن اعلام درست بوده، ادعای تازه بودن سند اخیر نادرست است و اگر سند ادعایی تازه اخیر درست است آن روز به مردم دروغ گفته شده است. ح-ک

پس از اظهارات خانم آلبرایت و اظهارندامت ایشان بمناسبت دخالت در وقایع ۲۸ مرداد، اسناد و شواهدی منتشر شده است که بسیار مهم و بیان کننده ماهیت و قصد آمریکا از مداخله در امور داخلی ایران و همچنین دلیل تازه نبودن سند ارائه شده سازمان سیاست.

کلیت آن اسناد تا آنجا که مورد استفاده سنگر قرار گرفته عبارت است از:

انتشار گزارش سازمان سیا در روزنامه نیویورک تایمز- نامه والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به روزنامه نیویورک تایمز- سرمقاله روزنامه نیویورک تایمز درباره وقایع سال ۳۲- نامه علیاحضرت شهبانو به روزنامه تایمز.

روزنامه نیویورک تایمز مقاله اساسی خود را به ۲۸ مرداد سال ۳۲ اختصاص داد؛ تیتز سرمقاله مزبور چنین است **<سیا را بزرگ نکنید، ۲۸ مرداد کار خود مردم بود>**

مقاله مزبور متضمن دو نکته مهم است:

نخست تائید و تاکید بر این حقیقت است که **<قیام مردم برای برکناری مصدق و بازگشت شاه ایران بود>**

در توضیح این قسمت نیویورک تایمز نوشته: **<کودتا فقط به این دلیل بنتیجه رسید که مردمی که نه حقوق بگیر آمریکا بودند نه انگلیس و نه حتی از سوی دول خارجی حمایت میشدند از فرصت استفاده کرده و مصدق را ساقط کردند>**

توضیح نیویورک تایمز دقیقاً منطبق با صراحتی است که در کتاب پاسخ به تاریخ و نامه والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی آمده است.

قسمت دوم سرمقاله نیویورک تایمز متوجه دخالت آمریکا در امور کشورهاست که از باب مثال به عملیات سری و جاسوسی در گواتمالا، شیلی، سالوادور، پاناما، یونان، ویتنام و کشورهای دیگر اشاره کرده و در نهایت شکست کودتای سیا را در ۲۸ مرداد تائید نموده است.

نکات برجسته از اسناد مزبور

نکات برجسته از گزارش سازمان سیا در روزنامه نیویورک تایمز حاوی مراتب زیر است:

- ۱- انگیزه اصلی مداخله آمریکا و انگلستان در امور ایران در سال ۳۲ دست اندازی بمنابع نفتی ایران بود.
- ۲- هدف از اجرای برنامه مداخله در امور ایران برداشتن مصدق و روی کار آوردن دولتی در ایران بود که به امضای یک قرارداد منصفانه نفتی تن دهد.
- ۳- دالس، رئیس کل سازمان سیا برای انجام این برنامه یک میلیون دلار اعتبار منظور کرد.
- ۴- اوائل ماه ژوئن ۱۹۵۳ نمایندگی سازمان اطلاعاتی بریتانیا و آمریکا طی دیداری طرح کودتا را تصویب کردند و چند روز بعد کرمیت روزولت رئیس بخش آفریقا و خاور نزدیک در سازمان سیا وارد تهران شد تا عملیات کودتا را شخصاً رهبری کند، سرانجام روز یازدهم ژوئیه همان سال ژنرال آیزنهاور دستور اجرای آنرا صادر کرد.

۵- شاه از اولین روز طرح کودتا مشکل اصلی بود که همچنان از امضای فرمان عزل مصدق ونخست وزیری سرلشگرزاهدی خودداری میکرد.

حاشیه - در گزارش آمده است که [لوی] هندرسون سفیر آمریکا در ایران در ملاقات با مصدق به او گفته بود؛ آیا مایلید که تانکهای ارتش سرخ رادر خیابانها تهران ببینید؟ گفته شده که چیزی که سبب شد تا شاهنشاه فرمان عزل مصدق ونخست وزیری زاهدی را امضا کند همین عبارت را هندرسون به شاه گفته که شاه با همه ملاحظاتی که در عزل مصدق ونخست وزیری زاهدی داشته باین کار رضایت میدهد (پایان)

۶- روز دهم اوت، شاه سرانجام موافقت کرد که با سرلشگرزاهدی و تعدادی انگشت شمار از افسران همکار او ملاقات کند ولی همچنان از امضای فرمان انتصاب نخست وزیری زاهدی سر باز زد در این وقت سازمان سیا مجبور شد اسدالله رشیدیان عامل سازمان اطلاعاتی بریتانیا را نزد شاه بفرستد و با این پیام که اگر اعلیحضرت حکم عزل مصدق ونخست وزیری زاهدی را امضا نکند کرمیت روزولت با عصبانیت ایران را ترک خواهد گفت سرانجام شاه روز ۱۳ اوت دکتر مصدق را از نخست وزیری عزل کرد (این خبر تا روز ۱۶ اوت یعنی سه روز اعلام نگردید)

سرتیپ تقی ریاحی در مقام مقاومت بر آمد معاون او در لشکر گارد بازداشت شد افسران و سربازان طرفدار شاه به محل های مختلف شهر اعزام شدند

سرتیپ ریاحی وارد عمل شد و واحد های هوادار شاه را منحل کرد و فرماندهان آنها را تشویق کرد که با مصدق همراهی کنند و در نتیجه نیروهائی که برای بازداشت مصدق آمده بودند بجای دستگیری مصدق خود دستگیر شدند سرلشگر زاهدی نخست وزیر و افسران همکار او فرار کردند.

۷- رادیو تهران اعلام کرد که کودتا علیه مصدق شکست خورد و ارتشیان هوادار مصدق مراکز حساس نظامی را در اختیار خود دارند.

۸- شاه ایران ابتدا به عراق و سپس به رم رفت. روزنامه های طرفدار مصدق نوشتند که سلسله پهلوئی به آخرین روزهای خود رسیده است و طرفداران مصدق مجسمه شاه را پائین کشیدند.

۹- بدنبال عزیمت شاه از کشور مقر سازمان سیادر واشنگتن از کرمیت روزولت خواست هر چه زودتر تهران را ترک کند ولی او امتناع کرد و اصرار کرد که هنوز بخت اندکی وجود دارد به شرط اینکه شاه از رادیو بغداد برای ملت پیامی بفرستد و سرلشگر زاهدی هم بطور خشونت آمیز وارد شود

۱۰- نخستین نشانه های تغییر اوضاع از سوی نظامیان با حمله آنها به کمونیستها دیده شد.

۱۱- در این موقع مصدق مجلس رامنحل ساخت و با خوشحالی از عزیمت شاه به خارج و بازداشت افسران طرفدار شاه به مجلس خبر داد.

۱۲- پس از انحلال مجلس بوسیله مصدق، شاه در شانزهم اوت همان سال ۱۹۵۳ از رادیو بغداد اعلام کرد که حکم عزل مصدق ونخست وزیری سرلشگر زاهدی را امضا کرده است. طراحان کودتا معتقد بودند که دیگر خیلی دیر است.

۱۳- نماینده سازمان سیا در تهران از مرکز خود در واشنگتن سوال کرد که آیا به عملیات

«ژاکس» (علامت اختصاصی برای کودتا) ادامه دهند یا آنرا هاکند، شب ۱۸ اوت سازمان

سیا دریامی که به نمایندگی خود در تهران مخابره کرد گفت:

> برای موفقیت در کارتلاشهایی صورت گرفت اما به نتیجه نرسید و لذا بعثت اینکه توصیه ثمر بخش برای مجریان عملیات در تهران نداریم بهتراست فعالیت های براندازی مصدق در تهران متوقف گردد.

تفکیک دخالت آمریکا از قیام مردم

باتوجه به اسناد ارائه شده و محتویات آن باید گفت که رویداد روز های ۲۸ مرداد مشتمل بر دو قسمت بوده است:

قسمت اول دخالت آمریکا و برنامه ریزی علیه حکومت مصدق و جایگزینی آن با سرلشگرزاهدی.

این قسمت از رویداد ۲۸ مرداد بشرح ردیف ۱۳ مستندات و بنا بر اعلام سازمان اطلاعات آمریکا با شکست مواجه و طبق دستور آن سازمان عملیات براندازی مصدق متوقف میشود یعنی برخلاف ادعای مصدقی ها کودتا موفق نشد که مصدق را از قدرت پائین بکشد و مصدق پیروز شد و در کلامی دیگر مصدق پیروز کودتا بود نه مظلوم کودتا.

قسمت دوم هنگامی آغاز شد که شاه از رادیو بغداد زاهدی را نخست وزیر قانونی و عزل مصدق را بفرمان خود اعلام کرد.

این توضیح بجاست که سرتیپ ریاحی و همچنین اعضای جبهه ملی و نزدیکان مصدق شایع کرده بودند که سرلشگرزاهدی قصد کودتا علیه مصدق نخست وزیر شاه را دارد و در نتیجه این برداشت عمومی به وجود آمد که سرلشگرزاهدی در مقام کودتای علیه شاه و دولت مصدق است.

پس از آنکه مردم صدای شاه را شنیدند که سرلشگرزاهدی نخست وزیر قانونی بفرمان شاه و مصدق بفرمان شاه برکنار شده است قیام مردم علیه مصدق آغاز شد که به شکست مصدق و پیروزی شاه خاتمه یافت.

بنابراین عنوان کودتا به بخش اول که با دخالت آمریکا تحت نام اژاکس برنامه ریزی شده بود باشکست خاتمه یافت و مرکز سازمان سیا در واشنگتن از کرومیت روزولت و ایادی کودتا خواست که ایران را فوراً ترک کنند، لذا وقتی صحبت از کودتا میشود باید سرنوشت آن کودتا یعنی شکست آنرا هم اضافه کرد و برای نشان دادن نتیجه رویداد ۲۸ مرداد به قسمت دوم رویداد که قیام مردم پس از شنیدن پیام شاه بود توجه کامل کرد تا رعایت امانت تفسیر بر واقعه ۲۸ مرداد رعایت شده باشد.

هجرت نه فرار

در کیهان لندن مطلبی از کتاب کرومیت روزولت فرمانده عملیات اژاکس در وقایع ۲۸ مرداد خواندم با آنکه به تحریر حاضر ارتباط چندانی ندارد ولی فریاد وجدان توأم با شرمساری نگذاشت که هم اکنون که از آن مطلع شدم در انتقال آن به ایرانیان کوتاهی کنم.

به خواهش میهن پرستانه با امعان نظر و تفکر بخوانید.

کرومیت روزولت درباره ملاقات هندرسون با مصدق و گفتگوهای آن دو مینویسد:

«سفیر (لوی هندرسون) بابرخوردی خشن و سیلی از شکایات مواجه شد پیرمرد (مصنق) بالحن تند و تیزی هندرسون را خطاب قرارداد و گفت این حرفها که مردم مملکت شما راجع به کشورما میزنند چیست؟ چرا آنها از کشورما بدگویی میکنند؟ چرا علیه ما کار میکنند و از یک فرد مستبد که از ترس ولی عاقلانه به خارج از کشور فرار کرده «مقصودش شاهنشاه بوده» پشتیبانی مینمایند، او اکنون یک فرد یاغی است.

هندرسون باخونسردی جوابی بسیارمناسب داد و گفت: «درپاره اینکه شما میگوئید شاه فرار کرده است من بعنوان یک مسیحی میخواهم یک سنت اسلامی را که پیغمبرشما ایجاد کرد به یادتان بیاورم و آن هجرت است که او در سال ۶۲۲ میلادی مکه را ترک کرد. روزی که گاهنامه شما از آن هجرت- شروع میشود نکته ای که میخواهم بگویم این است که هجرت پیغمبر به فرار تشبیه نشد و برای رسالتش بود.

همانطور که هجرت پیامبر به منزله طلوع اسلام به صورت یک قدرت جهانی بود مسافرت شاهنشاه نیز ممکن است علامت برآمدن ستاره اقبال او باشد.....<

(کیهان لندن ۱۴۶۵)

تشبیه خروج شاه از کشور به هجرت محمد به مدینه برای حفظ رسالتش، را برای اولین بار است که از یک آمریکائی میشنوم و در دلم آفرین به این برداشت گفتم.

آری خروج شاهنشاه از کشور در سال ۵۷ یک هجرت بود درست همانند هجرت سال ۳۲ و از آنجا که دست اندرکاران سیاست آمریکا در مورد ایران به نقش شاه در تحولات ایران آگاه و از سابقه هجرت سال ۳۲ نیز مطلع بودند لذا هجرت سال ۵۷ شاهنشاه را آمریکای نااهل و نامرد، بی وفا و خائن، شریک دزد و رفیق قافله، آن هجرت را بکابوس مبدل کرد و به آنهم اکتفا نکرد و فعالیت پادشاهی فرزندش را هم با طرح هنری برشت متوقف ساخت.

(پایان)



در سال ۲۰۰۵ در باره ۲۸ مرداد با الهام از نوشته های انگلیسی سایت «لوی هندرسن» سفیر وقت آمریکا در ایران نوشته بودم:

((... اینها ۲۸ مرداد را به بیگانه نسبت میدهند در حالیکه لویی هندرسون سفیر وقت آمریکا در ایران (۱۹۵۳) از اینکه می شنود گروهی از ایرانی ها رستاخیز ۲۸ مرداد را به حساب خارجی و ماموران اطلاعاتی آمریکامیگذارند؛ دچار تعجب شده و در گزارشی سری شماره ۳۵۱ مورخ ۲۱ اوت ۱۹۵۳ اظهار تاسف مینماید که چرا مردم ایران نمیتوانند باور کنند که تحولات مهم سیاسی در کشورشان میتواند بدون دخالت بیگانگان انجام یابد.

آثار وحشتناک دوگانگی و نفاق که زائیده تخیلات و تحریف نام گذاری "کودتای آمریکائی" به خیزش مردانه، میهن پرستانه مردم و ارتشیان در روز ۲۸ مرداد است؛ بین هم میهنان درونی و بیابرونی مرزهای کشور دیده میشود؛ جای تاسف است که "بت بزرگ" سازی از محمد مصدق بر جزئی خدمات وی نیز سایه انداخته است. از سوی دیگر طرفداران جبهه ملی همانند اسبی که کنار چشمش بسته باشد بدون تفکر و تحقیق و بکار گیری خرد خویش در ارزیابی وقایع تاریخی تحمل کوچکترین ایراد و خرده گیری را از دست داده اند. چون دلیل های موجهی برای اثبات ادعا های واهی خود ندارند در هر مورد تاریخی به فحاشی و بکار گیری واژه های مستهجن و شنیع دست می زنند. هر پژوهشگر تاریخ که

بخواهد کوچکترین ایراد خورده گیری را از "جبهه باصطلاح ملی" بنماید؛ به نوکری CIA متهم میگردد و آماج انواع تهمت ها و ناسزاهای قرار میگیرد. این در حالی است که خودشان با استناد به نوشته های همان عوامل CIA به ویژه کتاب کرمیت روزولت بوقایع بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد مینگرند....

ملکه ثریا مینویسد: «شاه یک روز ناگهان سیگاری را که در دست داشت در زیر سیگاری له کرد؛ بایک حرکت که نشان میداد انرژی تازه یافته است؛ روبه من کرد و گفت فقط یکنفر میتواند از عهده مصدق برآمده و بما کمک کند؛ آنهم ژنرال فضل الله زاهدی است.» (ح-ک))